



یادداشت

نکاتی پیرامون اولویت های بعد از جنگ

صادق کار



روز چهارشنبه ۲۷ خرداد پس از قطعی شدن توافق بر سر تفاهمنامه ۶۰ روزه و فروکش کردن مخالفت جریان مخالف مذاکره و تفاهمنامه، قالی باف رئیس مجلس، رئیس هیئت مذاکره کنند، و نماینده و مسئول ویژه و صاحب اختیار حکومت در مناسبات با چین، در نشستی که با روسای اتاق بازرگانی برگزار کرد، پس از ایراد سخنانی در مورد اهمیت برقراری مناسبات ویژه با چین و حضور در بلوکی که چین در راس آن قرار دارد، گفت: " امروز باید سنگر را از بچه های پای لانچر تحویل بگیریم، بایستیم و این مردم را از زیر فشار اقتصادی دریاوریم. بایستیم زندگی مردم را بسازیم"

تصور نمی کنم کسی با این گذاره قالیباف مخالف باشد، با این همه باید دید منظور او از "مردم" چه کسانی هستند؟ رهبران و دولتمردان جمهوری اسلامی در ادبیات و سخنرانی هایشان کم از "مردم" نام نبرده و وعده هم به مردم کم نداده اند، اما در عمل خلاف همه ی وعده ها و حتی قوانین خودشان عمل کرده و نشان داده اند که مقصودشان از مردم اقلیت ثروتمند جامعه و فربه کردن مداوم آنها به قیمت نحیف کردن اکثریت جامعه بوده است.

آمار و ارقام های رسمی خود به قدر کافی و همچنین این گفته خود قالیباف که می گوید "...و این مردم را از زیر فشار اقتصادی دریاوریم. بایستیم زندگی مردم را بسازیم" نماینگر برداشت آنها از مردم است.

دست بر قضا سلف قالیباف نیز مانند ایشان در آغاز کار خود ابتدا به دست بوس رهبران اتاق بازرگانی رفته اند و از رهنمودهای آنها بهره گرفته اند که وضع مردم دچار فلاکت امروزی شده است.

رسم است که روسای جمهور و مقامات مسول و ارشد حکومت در آغاز مسئولیت شان به حضور روسای اتاق بازرگانی شرفیاب شوند تا هم حمایت خود را از آنان به عرض برسانند و هم خیال آنان را از این بابت که حکومت همچنان منافع آنها را در راس سیاستهای خود قرار خواهد داد به آنان ابلاغ کنند.

در زمان ریاست جمهوری روحانی عوامل اتاق بازرگانی در دولت حتی تا سطح ریاست دفتر رئیس جمهور نفوذ داشتند. در مجلس، دستگاه قضایی، بیت رهبری، دیوان عدالت اداری و نهادهای امنیتی نیز همفکران اتاق بازرگانی از چنان نفوذی برخوردار بودند که قانونی و اقدامی بدون رضایت آنها نه تصویب می شد و نه اجرا.



ابراهیم رئیسی نیز که ادعای عدالتخواهی داشت کارزار انتخاباتی خود را با رفتن به خدمت روسای اتاق بازرگانی آغاز کرد و انصافا مجری وفادار در جهت پیشبرد منافع روسای تجار و سرمایه داران بزرگ کشور و هم او بود که روند سیاست شوک درمانی و واگذار کردن موسسات عمومی را با همان رویه دولت روحانی که قبل از رسیدن به قدرت ظاهرا مخالف آن بود (نمونه هفت تپه) شتاب بخشید.

دولت پزشکیان اما در پیشبرد سیاست های شوک درمانی، تعرض به حقوق نیروی کار، سرکوب و سرسپردگی به اتاق جادویی بازرگانان گوی سبقت را از دو رئیس جمهور پیشین ربود. هر چه این سه رئیس جمهور کردند و بدون اذن و فرمان خود خامنه‌ای محال بود عملی شوند، علیه منافع و حقوق اکثریت مردم خصوصا طبقه کارگر بود.

جناب قالیباف نیز که قدرت به مراتب بیشتری را از آن خود کرده است، آغاز کار خود در مقام مسئول ویژه ایران با چین را عینا با همان شیوه و سبک سلف خود شروع کرده و دست نیاز به سوی اتاق بازرگانی دراز کرده است. بنا بر این اشاره قالیباف به رهایی مردمی که بواسطه سیاستهای امثال قالیبافها و اتاق بازرگانی تحت فشار اقتصادی قرار گرفته‌اند تا آنجا که به رفاه اکثریت مردم می شود را لزوما نمی شود به نشانه هیچ تغییر و تحول اقتصادی و سیاسی به نفع اکثریت مردم به حساب آورد.

در جمهوری اسلامی اساسا هیچ صاحب مقام حکومتی را نمی توان نشان داد که در هنگام داشتن مسئولیت دولتی جز خدمت به ثروتمندان و ستم بر زحمتکشان و افزایش فقر و محرومیت کاری کرده باشد. وجود ده‌ها میلیون جمعیت زیر خط فقر نتیجه عملکرد سیستم حاکم و مسئولین آن است.

طبق توافق اولیه تحریم های نفتی و محاصره دریایی ایران بعد از امضای تفاهمنامه توسط مسعود پزشکیان و دونالد ترامپ دستکم برای دو ماه آینده لغو شده است و مقداری از ذخایر ارزی کشور یا آزاد شده و یا قرار است آزاد شوند. در طول هر دو جنگ کسانی که بیشترین فشار و هزینه جنگ را متحمل شده‌اند، مردم محروم و ندارهستند.

سرمایه داران و تجار بزرگ اما نه تنها اکثرا هزینه چندان متحمل نشده‌اند، بلکه با گران کردن تولیدات و کالاهای خود سود مضاعفی نیز به دست آورده‌اند و ثروتمندتر شده‌اند. حالا هم اگر قرار باشد که امتیازات پس از جنگ بین آنها تقسیم شود نه منصفانه است و نه کمکی به آنهایی می شود که هم قبل از جنگ و هم هنگام جنگ فقیرتر و ندارتر شده‌اند. بهمین جهت کسانی که باید بعد از جنگ در اولویت رسیدگی و فقر زدایی قرار بگیرند، کارگران و کارکنان و تهی دستان شهری و روستایی هستند که از همه لحاظ بویژه از لحاظ معیشتی در سخت ترین وضعیت بسر می برند. بازگرداندن کارگران و کارمندی که به دلیل جنگ از کار اخراج شده‌اند به سر کارهایشان، پرداخت حقوق بیکاری تا هنگام تامین کار، پرداخت کامل دستمزدهای پرداخت نشده و مزایای جانبی پرداخت حق بیمه‌های معوق، توقف کامل روند بی حقوق سازی کارگران و کارمندان، رفع منع فعالیت های آزاد سندیکایی، آزادی معلمان، کارگران و زندانیان سیاسی، برقراری یارانه کالاهای اساسی، لغو احکام اعدام، برداشتن سانسور، بازسازی خانه های مسکونی آسیب دیده در جنگ و توقف خصوصی سازی بخش های آموزش و درمان و برچیدن بساط شرکت‌های دلال نیروی کار اولین اقدامات



بهم پیوسته‌ای هستند که می‌بایست برای تحقق آنچه قالیباف مدعی آن شده انجام بگیرد. تبعاً انجام این اقدامات نیازمند برنامه مدون است و بعد از تدوین برنامه و ارائه آن به جامعه است که معلوم می‌شود در سمتگیری حکومت آیا قرار است تحولی بسود اکثریت مردم بوجود بیاید، یا درب روی همان پاشنه گذشته‌اش قرار است بچرخد. بهر حال آنچه روشن است اکثریت مردم دیگر حاضر نیستند در هیچ زمینه‌ای مانند گذشته زندگی کنند

همه با هم برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح و آزادی متحدانه مبارزه کنیم!.

متحد و متشکل علیه بیکاری و فقر مبارزه باید کرد!

فقر و نابرابری - بخش نهم

برگرفته از "خدمات اداری هند"، Vision IAS



2.3 وضعیت نابرابری در جهان و هند

- بر اساس گزارش آکسفام، در سال 2022، 1% ثروتمندترین افراد جهان مالک 43% از کل داراییهای مالی جهانی بودند. تنها 0.4% از بزرگترین و تاثیرگذارترین شرکتهای جهان متعهد به پرداخت "دستمزد معیشتی" به کارکنان خود اند؛ یعنی مزدی که به افراد امکان دهد "از یک استاندارد زندگی شایسته برخوردار شوند".
- بر اساس مقاله ای با عنوان "نابرابری درآمد و ثروت در هند، 1922 تا 2023: ظهور راج میلیاردرها"، نابرابری در هند از اوایل دهه 2000 به شدت افزایش یافته است. در سال های 2022-2023، سهم 1% بالای جمعیت از درآمد و ثروت به ترتیب به 22.6% و 40.1% رسید. به بیان دیگر، 1% از مردم هند مالک 40% ثروت و 22.6% درآمد کشور اند .
- در جدیدترین فهرست میلیاردرهای فوربس در سال 2024، هند دارای 200 میلیارد است. مجموع ثروت این میلیاردرها به 954 میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل 41% افزایش نشان می دهد.



2.4 علل نابرابری

دلایل گسترش نابرابری در هند عبارت اند از:

(الف) توزیع ناعادلانه و نامتوازن رشد اقتصادی

- اقتصاد هند همچنان در حال رشد است، اما افرادی که در پایینترین دهک درآمدی (10% پایین جامعه) قرار دارند با مشکلات گوناگونی روبه رو اند؛ از جمله دستمزدهای پایین، ساعات کاری طولانی و کمبود خدمات پایه ای مانند کمکهای اولیه، آب آشامیدنی و امکانات بهداشتی.

(ب) چارچوب اقتصادی جانبدارانه به نفع ثروتمندان

- نرخهای مالیاتی برای ثروتمندترین افراد و شرکتها در مقایسه با دهه های گذشته کاهش یافته است.
- پژوهش پیکتی و همکاران (2024) نشان می دهد که نظام مالیات بر درآمد هند، هنگامی که از منظر ثروت خالص بررسی شود، ماهیتی پس رونده (Regressive) دارد؛ به این معنا که هرچه ثروت افراد بیشتر باشد، سهم مالیاتی که نسبت به داراییهای خود می پردازند، کمتر است.
- افزون بر این، سطوح بیسابقه فرار و اجتناب مالیاتی باعث می شود که ابرثروتمندان حتی مالیات کمتری نیز پرداخت کنند.

(ج) فقدان شبکه های ایمنی اجتماعی

- هند از شبکه های حمایتی کافی برای بخش کشاورزی و مناطق روستایی برخوردار نیست.
- تهیدستان شهری نیز به امکانات پایه ای مانند آب آشامیدنی سالم، مسکن مناسب و خدمات ضروری دیگر دسترسی کافی ندارند.

2.5 تاثیر نابرابری

نابرابری نقشی مهم در ایجاد تغییرات در رشد اقتصادی و میزان فقر ایفا می کند. برخی جهات این تاثیر در سطور زیر آمده اند.

2.5.1 نابرابری و رشد اقتصادی

نظریه کوزنتس (Kuznets)

نظریه کوزنتس روشی برای مطالعه رابطه میان نابرابری و رشد اقتصادی ارائه می کند.

بر اساس این نظریه، با تاکید بر تمایز رشد اقتصادی و توسعه، رشد اقتصاد در ابتدا نابرابری را افزایش می دهد، اما با ادامه رشد اقتصادی، نابرابری در مراحل بعدی کاهش پیدا می کند.



طبق فرضیه کوزنتس، رشد اقتصادی در آغاز موجب افزایش نابرابری درآمدی می شود، زیرا منافع رشد عمدتاً نصیب سرمایه گذاران و بخشی از کارگرانی می گردد که در مراحل اولیه نوآوری و صنعتی شدن مشارکت دارند. نمونه رایج آن، صنعتی شدن یک اقتصاد کشاورزی است که در آن پیشرفت‌های اولیه اقتصادی تنها به بخش کوچکی از جمعیت سود می رساند.

با این حال، این نابرابری معمولاً موقتی است. هنگامی که اقتصاد به رشد خود ادامه می دهد، سایر سرمایه گذاران و کارگرانی که در ابتدا عقب مانده بودند، جز شماری از سرمایه گذاران که از دور خارج می شوند، با عرضه کالاها و خدمات مشابه یا بهتر، به تدریج به دیگران می رسند. در نتیجه درآمد آنان افزایش یافته و نابرابری کلی کاهش می یابد.

نابرابری چگونه می تواند به رشد اقتصادی کمک کند؟

- نابرابری با فراهم کردن امکان سود برای سرمایه داران به عنوان پاداش ریسک پذیری شان، انگیزه رشد اقتصادی را تقویت می کند.
- مالیات‌های پایین و بازتوزیع محدود درآمد به افراد اجازه می دهد ثروت بیشتری انباشت کنند و این ثروت می تواند به منبعی برای سرمایه گذاری در اقتصاد تبدیل شود.

نابرابری چگونه می تواند به رشد اقتصادی آسیب برساند؟

- افزایش شکاف ثروت موجب می شود خانواده های کم درآمد سرمایه گذاری کمتری در آموزش و مهارت آموزی انجام دهند. این امر رشد اقتصادی را از طریق کاهش تعداد نیروی کار ماهر و بهره ور در اقتصاد تضعیف می کند.
- افزایش نابرابری درآمدی رشد طبقه متوسط را با موانعی روبه رو می کند؛ از جمله کاهش تحرک اجتماعی، دسترسی کمتر به آموزش و خدمات درمانی، و سرمایه گذاری کمتر در توسعه مهارتها
-

چاره کارگران وحدت و متشکل شدن در تشکلهای مستقل است!

کمیته های همیاری را در محل های کار و محلات تشکیل دهیم!



تحولات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در قرن بیستم

بهروز فدایی



بخش چهارم

تحولات روسیه و سرانجام اتحاد شوروی در قرن بیستم

از انقلاب اکتبر تا فروپاشی؛ توازن قوای اجتماعی، بحران سوسیالیسم دولتی و سرنوشت طبقه کارگر

مقدمه

تاریخ روسیه و سپس اتحاد جماهیر شوروی در قرن بیستم، یکی از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین تجربه‌های سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر است. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ نه تنها ساختار قدرت در روسیه را دگرگون کرد، بلکه بر جنبش‌های کارگری، دولت‌های سرمایه‌داری، مناسبات بین‌المللی و توازن قوای جهانی تاثیر عمیقی گذاشت.

برای نخستین بار در تاریخ، حزبی مارکسیستی به رهبری ولادیمیر لنین توانست قدرت دولتی را به دست گیرد و پروژه‌ای برای گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم آغاز کند. این تحول، امیدهای عظیمی در میان طبقه کارگر جهان ایجاد کرد، اما در عین حال با مشکلات ساختاری، جنگ، بوروکراسی، تمرکز قدرت و بحران‌های سیاسی نیز همراه شد.

فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱، نه فقط پایان یک دولت، بلکه پایان یک دوره تاریخی بود؛ رویدادی که توازن قوای جهانی و موقعیت طبقه کارگر در سطح بین‌المللی را به شدت تغییر داد.

پرسش اساسی این است:

آیا فروپاشی شوروی صرفاً نتیجه جنگ سرد و فشار کشورهای سرمایه‌داری بود یا بحران‌های درونی و اجتماعی خود نظام شوروی زمینه اصلی این فروپاشی را فراهم کرد؟

روسیه پیش از انقلاب؛ جامعه‌ای عقب‌مانده و نابرابر

در آغاز قرن بیستم، روسیه تزاری جامعه‌ای عمدتاً کشاورزی و استبدادی بود. بخش بزرگی از جمعیت را دهقانان فقیر تشکیل می‌دادند و صنعت مدرن تنها در برخی شهرهای بزرگ رشد کرده بود.



در این ساختار

اشرافیت و دولت تزاری قدرت اصلی را در اختیار داشتند؛

طبقه بورژوازی نسبتاً ضعیف بود؛

و طبقه کارگر صنعتی تازه در حال شکل‌گیری بود.

با وجود جمعیت محدود، طبقه کارگر روسیه از تمرکز بالایی در کارخانه‌های بزرگ برخوردار بود و همین مسئله امکان سازمان‌یابی سیاسی را افزایش می‌داد.

شکست‌های نظامی، فقر، استبداد سیاسی و بحران‌های اقتصادی، زمینه انقلاب را فراهم کرد.

انقلاب اکتبر؛ ورود طبقه کارگر به قدرت سیاسی

در سال ۱۹۱۷، ابتدا انقلاب فوریه حکومت تزاری را سرنگون کرد و سپس انقلاب اکتبر به رهبری بلشویک‌ها قدرت را به دست گرفت

بلشویک‌ها شعارهایی مانند

صلح؛ نان؛ زمین و قدرت به شوراها را مطرح کردند.

در سال‌های نخست انقلاب، شوراها کارگری (سویت‌ها) و مشارکت سیاسی توده‌ای نقش مهمی داشتند. صنایع ملی شدند و دولت جدید تلاش کرد اقتصاد را بر پایه برنامه‌ریزی سوسیالیستی سازمان دهد

اما خیلی زود، جنگ داخلی، مداخله خارجی و بحران اقتصادی شرایط را تغییر داد

جنگ داخلی و شکل‌گیری دولت متمرکز

بین سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۱، دولت شوروی با جنگ داخلی و مداخله قدرت‌های خارجی روبه‌رو شد. کشورهای غربی از نیروهای ضدبلشویک حمایت کردند و اقتصاد روسیه تقریباً فروپاشید.

در این شرایط

تمرکز قدرت افزایش یافت؛

نقش حزب کمونیست تقویت شد؛

و ساختارهای نظامی و امنیتی گسترش پیدا کردند.

طبقه کارگر که نیروی اصلی انقلاب بود، به دلیل جنگ، قحطی و فروپاشی تولید صنعتی به شدت تضعیف شد. بسیاری از کارگران یا به جبهه رفتند یا به روستاها بازگشتند.



از همین مرحله، فاصله میان دولت حزبی و مشارکت مستقیم کارگری آغاز شد

۸. ۴. دوران استالین؛ صنعتی‌سازی و بوروکراسی

پس از مرگ ولادیمیر لنین، قدرت به تدریج در دست ژوزف استالین متمرکز شد.

در دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، شوروی شاهد تحولات عظیم اقتصادی بود

صنعتی‌سازی سریع؛

توسعه صنایع سنگین؛

جمعی‌سازی کشاورزی؛

و تبدیل شوروی به یک قدرت جهانی.

طبقه کارگر از نظر کمی رشد کرد و میلیون‌ها نفر وارد صنایع شدند. آموزش عمومی و خدمات اجتماعی نیز گسترش یافت.

اما همزمان

بوروکراسی حزبی بسیار قدرتمند شد؛

سرکوب سیاسی افزایش یافت؛

و مشارکت مستقل نیروهای اجتماعی محدود گردید.

در عمل، دولت و حزب جایگزین بخش بزرگی از خودگردانی اجتماعی شدند

طبقه کارگر از امنیت شغلی و خدمات اجتماعی برخوردار بود، اما امکان سازمان‌یابی مستقل سیاسی نداشت.

جنگ جهانی دوم و تثبیت شوروی به عنوان ابرقدرت

پیروزی شوروی بر آلمان نازی در جنگ جهانی دوم، موقعیت بین‌المللی این کشور را به شدت تقویت کرد.

پس از جنگ

شوروی به یک ابرقدرت جهانی تبدیل شد؛

بلوک شرق شکل گرفت؛

و نفوذ سوسیالیسم در جهان گسترش یافت.



در داخل کشور، دولت توانست با اتکا به رشد صنعتی و خدمات اجتماعی، نوعی ثبات ایجاد کند.

اما مشکلات ساختاری همچنان باقی بود

اقتصاد بیش از حد متمرکز بود؛

بوروکراسی گسترده‌تر می‌شد؛

و فاصله میان دولت و جامعه افزایش می‌یافت.

. بحران ساختاری شوروی؛ رکود و فرسایش اجتماعی

از دهه ۱۹۷۰ به بعد، اقتصاد شوروی وارد مرحله رکود شد.

مشکلات اصلی عبارت بودند از

الف) بوروکراسی گسترده

تصمیم‌گیری اقتصادی بیش از حد متمرکز و کند شده بود. ساختار اداری عظیم، نوآوری و انعطاف اقتصادی را محدود می‌کرد.

ب) ضعف دموکراسی اجتماعی

طبقه کارگر و جامعه امکان محدودی برای تاثیرگذاری واقعی بر سیاست داشتند. اتحادیه‌ها عمدتاً بخشی از دولت بودند و نقش مستقلی ایفا نمی‌کردند.

ج) بحران بهره‌وری

اقتصاد برنامه‌ریزی شده در صنایع سنگین موفق بود، اما در تولید کالاهای مصرفی و فناوری‌های جدید دچار عقب‌ماندگی شد

د) فاصله میان ایدئولوژی و واقعیت

دولت از «حکومت کارگران» سخن می‌گفت، اما بخش بزرگی از جامعه احساس می‌کرد که بوروکراسی حزبی به طبقه ممتاز جدیدی تبدیل شده است.

آیا جنگ سرد علت فروپاشی بود؟

فشار خارجی و جنگ سرد بدون تردید بر شوروی تاثیر جدی داشتند

رقابت نظامی سنگین با ایالات متحده آمریکا؛

هزینه‌های عظیم تسلیحاتی؛



جنگ افغانستان؛

تحریم‌ها و فشار اقتصادی؛

و رقابت فناوری با غرب.

این عوامل اقتصاد شوروی را تحت فشار قرار دادند

اما فروپاشی را نمی‌توان صرفاً نتیجه «توطئه خارجی» دانست
اگر ساختار داخلی شوروی از مشروعیت اجتماعی و پویایی اقتصادی کافی برخوردار بود، فشار خارجی به
تنهایی نمی‌توانست چنین فروپاشی سریعی ایجاد کند.

عوامل داخلی نقش تعیین‌کننده‌تری داشتند

فرسودگی بوروکراسی؛

بحران مشارکت اجتماعی؛

نارضایتی عمومی؛

رکود اقتصادی؛

و شکاف میان دولت و جامعه.

در واقع، جنگ سرد بحران‌های موجود را تشدید کرد، اما زمینه اصلی فروپاشی در درون خود نظام شکل
گرفته بود.

پرسترویکا و فروپاشی

در دهه ۱۹۸۰، میخائیل گورباچف تلاش کرد با سیاست‌های «پرسترویکا» و «گلاسنوست» نظام شوروی را
اصلاح کند.

هدف او

کاهش بوروکراسی؛

اصلاح اقتصادی؛

و افزایش شفافیت سیاسی بود.

اما این اصلاحات در شرایط بحران ساختاری انجام شد و به جای بازسازی نظام، کنترل دولت را تضعیف کرد.
با گسترش بحران اقتصادی و رشد جنبش‌های ملی‌گرایانه، اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ فروپاشید.



پس از فروپاشی؛ بازگشت سرمایه‌داری و فروپاشی اجتماعی دهه ۱۹۹۰ یکی از بحرانی‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر روسیه بود. خصوصی‌سازی سریع اقتصاد موجب شد صنایع دولتی به دست گروه کوچکی از الیگارش‌ها بیفتد؛ نابرابری اجتماعی به شدت افزایش یابد؛ و اقتصاد مافیایی گسترش پیدا کند.

طبقه کارگر که در دوران شوروی از امنیت شغلی و خدمات اجتماعی برخوردار بود، ناگهان با بیکاری؛

سقوط دستمزدها؛

فقر گسترده؛

و ناامنی اقتصادی

روبرو شد.

در بسیاری از مناطق صنعتی

کارخانه‌ها تعطیل شدند؛

اتحادیه‌ها تضعیف شدند؛

و قدرت اجتماعی کارگران فروپاشید.

در عمل، طبقه کارگر روسیه از یک نیروی رسمی «حاکم» به طبقه‌ای پراکنده و فاقد سازمان‌یابی موثر تبدیل شد.

روسیه جدید؛ سرمایه‌داری اقتدارگرا

از دهه ۲۰۰۰ به بعد، دولت روسیه توانست بخشی از ثبات اقتصادی را بازگرداند، اما ساختار اجتماعی جدید بر پایه:

سرمایه‌داری دولتی؛

قدرت الیگارش‌ها؛



و تمرکز سیاسی شکل گرفت

طبقه کارگر امروز روسیه دیگر جایگاه ایدئولوژیک دوران شوروی را ندارد و نقش اتحادیه‌های مستقل محدود است

در عین حال، بخش بزرگی از جامعه هنوز فروپاشی شوروی را نه صرفاً پایان یک نظام سیاسی، بلکه فروپاشی امنیت اجتماعی و ثبات اقتصادی می‌داند

نتیجه‌گیری

تجربه شوروی نشان داد که حذف سرمایه‌داری به تنهایی برای تحقق دموکراسی اجتماعی و حاکمیت واقعی طبقه کارگر کافی نیست. اتحاد شوروی توانست صنعتی‌سازی عظیم، گسترش آموزش و کاهش نابرابری را محقق کند، اما تمرکز قدرت در بوروکراسی حزبی و محدود شدن مشارکت اجتماعی، به تدریج شکافی عمیق میان دولت و جامعه ایجاد کرد.

فروپاشی شوروی نتیجه ترکیبی از فشار خارجی و بحران داخلی بود، اما عوامل داخلی به ویژه رکود اقتصادی، فرسودگی بوروکراسی و ضعف مشارکت اجتماعی، نقش بنیادی‌تری داشتند

پس از فروپاشی، طبقه کارگر روسیه نه به دموکراسی اقتصادی رسید و نه به رفاه سرمایه‌داری غربی؛ بلکه وارد دوره‌ای از بی‌ثباتی، خصوصی‌سازی خشن و تضعیف قدرت اجتماعی شد.

تحولات روسیه در قرن بیستم نشان می‌دهد که مسئله اصلی تنها شکل مالکیت اقتصادی نیست، بلکه رابطه میان قدرت سیاسی، مشارکت اجتماعی، دموکراسی و سازمان‌یابی نیروهای اجتماعی است؛ مسئله‌ای که همچنان یکی از چالش‌های اصلی جهان معاصر باقی مانده است

برقرار باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی!

ما از مبارزات تبعیض ستیزانه زنان برای آزادی و برابری با مردان و برقراری عدالت

حمایت و برای تحقق آن مبارزه می‌کنیم!



از کجا به کجا رسیدیم

صاق



کمتر روزی است که یک یا چند خبر در مورد وضعیت بد بازنشستگان منتشر نشود. اکثر اخبار نیز چه از جانب بازنشستگان و هم از سوی، سئولین دولتی منفی و ناامید کننده هستند. بدترین خبر یکی از روزهای گذشته، خبر موافقت نکردن تامین اجتماعی و دولت با پرداخت حق مسکن و بن کارگری برابر با مصوبات دولت به بازنشستگان بود. قرار بود حق مسکن ۹۰۰ هزار تومانی به سه میلیون ارتقا پیدا کند و بن کمک معیشتی بازنشستگان نیز از اول امسال افزایش داده شود.

سه ماه بازنشستگان را با امروز و فردا کردن سرکار گذاشتند و سر انجام اعلام کردند که هیچ کدام را افزایش نمی دهند. امتناع از افزایش حق مسکن و کمک معیشتی در شرایطی انجام می گیرد، که هزینه های مسکن و مواد غذایی و دارو سر به آسمان می ساید.

روز گذشته ترتیب پرداخت حقوق خرداد بازنشستگان تامین اجتماعی همراه با حق همسان سازی پس مدتی سرگردانی به ترتیب حروف الفبا شروع شد. آغاز شد. البته خبرش منتشر شد، اما معلوم نیست که به راستی شروع شده باشد. خیلی وقتها خبر موضوعی را منتشر می کنند ولی آنرا سر موقع پرداخت نمی کنند. یکی از این موضوعات که چند بار دستخوش تغییر شده همین قضیه همسان سازی است. .

به گزارش ایلنا، تامین اجتماعی در ارتباط با روند پرداخت حقوق خرداد مستمری بگیران این صندوق اعلام کرد:

«پرداخت حقوق جدید همراه با افزایش های سالانه و متناسب سازی (برای مضمولین) مربوط به خرداد ماه بیش از ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از بازنشستگان و کلیه مستمری بگیران این سازمان، به ترتیب حروف الفبا و از طریق بانک های عامل در حال انجام است و تاکنون حروف الف، ب، پ واریز شده و همچنان امروز هم سایر حروف پرداخت می شود» .



در این خبر معلوم می شود که افزایش نیافتن کمک هزینه مسکن و معاش قطعی شده و افزون بر آن افزایش متناسب سازی نیز بعد از کلی اعتراض و ماه ها تاخیر قرار است از خرداد شروع شود. جزئیات آن هم فعلا روشن نیست. پرداخت حقوق عقب افتاده همسان سازی بعد از رد پرداخت حق مسکن و بن کمک هزینه معیشتی را درست موقعی اعلام کرده اند بلکه با این وسیله خشم و ناراحتی بازنشستگان کاهش دهند. این یک شگرد شناخته شده در جمهوری اسلامی است که پس از ندادن یک حق دیگری را نصفه نیمه و ناقص پرداخت می کند بلکه خشم را کنترل نماید .

واقعا وضعیت غریبی در این مملکت حاکم است حقوق اندک بازنشسته را با اینکه می دانند تحت فشار سخت قرار دارند به موقع نمی دهند، قوانینی که تصویب شده اند یا در عمل مانند حق مسکن اجرا نمی شوند و یا مانند متناسب سازی مورد تقلب قرار می گیرند و شکایت ها هر چقدر هم که مستند و قانونی باشند بجایی نمی رسند.

اما مشکلات فقط اینها نیست، دولت با آزاد سازی قیمت دارو و حذف ارز ترجیحی از سوی دیگر هزینه های بازنشستگان را که بواسطه سن بالا اکثرا به بیماریهای مختلف مبتلا هستند و همچنین با خصوصی سازی بخشی از درمان با ترفند بیمه تکمیلی که بازنشستگان باید ماهانه حق بیمه آنرا از جیب خود بپردازند و با کاهش حقوق بازنشستگی، مشغول لخت کردن بازنشستگان هستند.

وضعیتی که امروز برای کارگران شاغل و بازنشسته بوجود آورده اند برآستی فاجعه بار است. زمانی که وضعیت را با دوره جنگ هشت ساله مقایسه کنیم ملتفت می شویم که چقدر طبقه کارگر را به عقب برگردانده اند.

من در زمان جنگ در دو کارخانه بزرگ تولیدی که در مالکیت سازمان صنایع سنگین قرار داشت کار می کردم. در آن موقع، دستمزدها سر موقع بهمراه اضافه کاری و حق شیفت و بقیه مزایای جنبی مزدی پرداخت می شد. در کارخانه کسی مانند امروز مشکل بیمه نداشت. یک نفر مسئول پیگیری امور بیمه ای کارگران بود که حتی دفترچه های بیمه را خودش از تامین اجتماعی می گرفت و به کارگر می رساند و هنگامی هم که مشکلی پیش می آمد دنبال رفع مشکل می رفت. پرداخت نکردن حق بیمه مانند امروز سکه رایج نبود.

کارگر را به هر بهانه ای اخراج نمی کردند. بعد از شش ماه کارگر بصورت خودکار رسمی می شد. سهم کارگر از هزینه دارو و درمان ۲۵ درصد بود، دکانی بنام بیمه تکمیلی برای شرکتهای بیمه خصوصی وجود نداشت، سرویس رفت و آمد منظم بود و در هر شیفت یک وعده ی غذای گرم به کارگر می دادند و بدون چک و چانه عیدی کارگر را با حقوق اسفند پرداخت می کردند و کارگر بعد از رسیدن به سن بازنشستگی بازنشسته می شدند، اخراج کارگر نیز باید به تائید شورای کارخانه می رسید.

حالا خودتان مقایسه کنید که در این حکومت "مستضعفان" چه بر سر زندگی کارگر آورده اند. مدیریت تمام این تغییرات در واقع خود علی خامنه ای بوده است که پس از رهبر شدن گام به گام با کمک رفقای موثلفه چپ و اصلاح طلبان رقیب و به اصطلاح مخالف اش، میانه روهای امثال روحانی، تندروهایی مانند ابراهیم



رئیس‌ی و بی مسلکانی همچون پزشک‌یان، این مصیبت را برای طبقه کارگر رقم زده و همچنان دارند آن را پیش می‌برند.

این را از آن جهت گفتم که این روزها یک تصور غیر واقعی به خورد مردم داده می‌شود که کاملاً وارونه است. خامنه‌ای رهبری مصیبتی که امروز گریبان مردم را گرفته است را به عده دارد. ثروتهای نجومی حاکمان مولتی میلیارد و وجود ده‌ها میلیون جمعیت فقیرزده امروز در کشور ما نتیجه چنین فرایندی است.

هم از این رو مادامی که اینها قدرت را در دست داشته باشند، وضع طبقه کارگر نه تنها بهبود پیدا نخواهد کرد، بلکه روز به روز بدتر خواهد شد. راه‌هایی از این زندگی برده وار در دست کسی غیر از خود طبقه کارگر نیست. بنا بر این خود طبقه کارگر باید بخود بیاید و چاره‌ای برای رهایی خود بیابد و این میسر نیست مگر اینکه طبقه کارگر که سازنده همه‌ی نعمات زندگی است به قدرت خود ایمان بیاورد و بکوشد با متشکل کردن نیروی خود در سازمانهای کارگری، خود را از این اسارت آزاد سازد. از پیوستن به اعتراضات هفتگی شروع کنید. وقتی وارد اعتراضات شوید راه کسب حقوقتان را فرا میگیرید، راه اتحاد و همبستگی و نیرومند شدن را فرا می‌گیرید. ناله و گلایه کردن بی نتیجه است، باید به هم پیوست و اعتراض کرد

برخورداری از بیمه و تامین اجتماعی حق همه‌ی کارگران است!

زنده و گسترده باد اتحاد و همبستگی کارگران!



بیانیه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به تشدید بحران معیشتی و گسترش محرومیت آموزشی

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در بیانیه‌ای تازه نسبت به گسترش فقر، فروپاشی امنیت معیشتی خانواده‌ها و پیامدهای مستقیم آن بر آموزش کودکان هشدار داد. این شورا با تأکید بر پیوند سرنوشت معلمان، کارگران، بازنشستگان، پرستاران و دیگر مزدبگیران، خواستار ترمیم فوری دستمزدها، مهار تورم و دفاع از آموزش عمومی شده است.



مردم شریف ایران

جامعه ایران امروز با بحرانی عمیق در حوزه معیشت و آموزش روبه‌روست. تورم افسارگسیخته، افزایش مداوم قیمت کالاهای اساسی، مسکن، درمان و آموزش، زندگی میلیون‌ها معلم، کارگر، بازنشسته و دیگر مزدبگیران را به مرز تحمل‌ناپذیری رسانده است.

امروز دیگر سخن گفتن از «فشار معیشتی» به تنهایی گویای عمق فاجعه نیست. بر اساس برآوردهای منتشرشده از سبد معیشت خانوار، هزینه تأمین حداقل نیازهای غذایی هر نفر در اردیبهشت ۱۴۰۵ به ۷ میلیون و ۲۸۰ هزار تومان رسیده است؛ رقمی که نسبت به سال گذشته بیش از ۱۲۹ درصد افزایش یافته است. این بدان معناست که یک خانواده سه نفره برای تأمین حداقل نیازهای غذایی خود به بیش از ۲۲ میلیون تومان در ماه نیاز دارد؛ رقمی که با حقوق بسیاری از معلمان، کارگران، بازنشستگان و پرستاران برابری می‌کند. به بیان دیگر، امروز نزدیک به ۹۰ درصد درآمد بخش بزرگی از مزدبگیران صرف تهیه غذا می‌شود و عملاً چیزی برای مسکن، درمان، آموزش و سایر نیازهای اساسی باقی نمی‌ماند.

این وضعیت تنها یک بحران اقتصادی نیست؛ بلکه نشانه فروپاشی تدریجی امنیت معیشتی میلیون‌ها خانواده است. هنگامی که خانواده‌ها از تأمین نیازهای اولیه خود ناتوان می‌شوند، نخستین قربانیان این وضعیت کودکان هستند. گسترش فقر و نابرابری به افزایش ترک تحصیل و بازماندگی از آموزش انجامیده و صدها هزار کودک را از حق آموزش محروم کرده است.

در چنین شرایطی، معلمان، کارگران، بازنشستگان، پرستاران و سایر مزدبگیران بیش از هر زمان دیگری دارای سرنوشتی مشترک هستند. مسئله امروز تنها دستمزد یک گروه شغلی نیست؛ مسئله، حق برخورداری همه شهروندان از زندگی شرافتمندانه، آموزش باکیفیت و رفاه اجتماعی است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن هشدار نسبت به پیامدهای فقر فزاینده و تخریب آموزش عمومی، خواهان:

- ترمیم فوری حقوق و دستمزدها متناسب با نرخ واقعی تورم و هزینه‌های زندگی؛
- اجرای کامل تعهدات دولت در قبال فرهنگیان، کارگران، بازنشستگان و پرستاران
- افزایش سهم آموزش عمومی از بودجه کشور و توقف کالایی‌سازی آموزش؛
- تدوین برنامه‌ای فوری برای بازگرداندن کودکان بازمانده از تحصیل به مدارس؛
- تضمین حق تشکلیابی مستقل و مشارکت نمایندگان صنفی در تصمیم‌گیری‌ها؛
- اتخاذ سیاست‌های مؤثر برای مهار تورم، کاهش نابرابری و حمایت از اقشار مزدبگیر.



ما بر این باوریم که دفاع از معیشت معلمان، کارگران بازنشستگان و پرستاران دفاع از حق آموزش کودکان، دو مطالبه جداگانه نیستند، بلکه اجزای یک خواست مشترک برای عدالت اجتماعی، کرامت انسانی و آینده‌ای بهتر برای جامعه ایران‌اند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

۳۰ خرداد ۱۴۰۵



عکس این گزارش متعلق به اعتراض بازنشستگان اهواز در یکشنبه هفته گذشته است

اعتراضات هفتگی یکشنبه‌های بازنشستگان امروز یکشنبه در چندین شهر از جمله کرمانشاه، رشت، شوش، مشهد، تهران، دامغان و اراک برگزار شد. گزارش همراه تظاهرات امروز بازنشستگان در شهر آزادگان رشت است:

تا کی سرافکنده‌گی؟ یا مرگ یا زندگی!

خط فقر ۵۰ میلیون، حقوق ما ۲۰ میلیون!

تجمع اعتراضی بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی در برابر سازمان تأمین اجتماعی استان گیلان،

مطالبات معترضان به شرح زیر است:

افزایش و ترمیم فوری مستمری‌ها و حقوق ماهانه به بالای خط فقر ۵۰ میلیون تومانی جهت صیانت از سفره بازنشستگان.

اجرای کامل و واقعی قانون همسان‌سازی حقوق و رفع تبعیض‌های موجود میان بازنشستگان کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی.

پرداخت فوری دیون انباشته‌شده دولت به سازمان تأمین اجتماعی برای جلوگیری از ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی.

ارائه خدمات درمانی رایگان و جامع و بهبود چتر بیمه تکمیلی با توجه به هزینه‌های سنگین درمانی در سنین سالمندی.



توقف فساد ساختاری، شفاف‌سازی مالی در شستا (شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی) و مشارکت نمایندگان مستقل کارگری در مدیریت صندوق .



اعتصاب در معدن طزره کامیون رانان معدن زغال سنگ طزره، وابسته به شرکت زغال سنگ البرز شرقی، از دیروز، ۳۰ خرداد، در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد خود اعتصاب کرده اند.

این اعتصاب که توسط حدود ۳۵ نفر از رانندگان کامیون حمل زغال سنگ آغاز شده، زنجیره انتقال بار را کاملاً متوقف کرده است. شرکت البرز شرقی به دلیل بحران شدید مالی و کمبود نقدینگی، توان پرداخت حقوق‌ها را نداشته و این موضوع علاوه بر رانندگان، حمل‌ونقل سرویس‌های کارگری و امنیت شغلی کل مجموعه را با خطرات جدی مواجه کرده است.

مطالبات معترضان به شرح زیر است
پرداخت فوری مطالبات معوقه رانندگان کامیون (بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ میلیون تومان در ماه برای هر راننده) از اسفند ۱۴۰۴ تاکنون.

تسویه دستمزد عقب‌افتاده رانندگان سرویس کارگران از فروردین‌ماه.
پرداخت حقوق معوقه نیمی از کارگران معدنچی که از اردیبهشت‌ماه هیچ دریافتی نداشته‌اند.
تضمین امنیت شغلی و شفاف‌سازی وضعیت مالی شرکت البرز شرقی.



صدور حکم حبس برای کوکب بدآغی پگاه

بر اساس حکم صادره از سوی شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو ایزده، کوکب بدآغی، فعال صنفی فرهنگیان و عضو انجمن صنفی فرهنگیان خوزستان، به یک سال حبس تعزیری محکوم شده است.



اتهام مطرح شده علیه ایشان «تبلیغ علیه نظام» عنوان شده است.

کوکب بداعی پیش‌تر نیز به دلیل فعالیت‌های صنفی و مدنی خود با فشارها و برخوردهای امنیتی مواجه بوده است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران صدور حکم حبس برای کوکب بداعی را به شدت محکوم می‌کند و این‌گونه برخوردها را تلاشی آشکار برای سرکوب صدای معلمان و فعالان صنفی می‌داند.



بیانیه کانون صنفی معلمان خوزستان در محکومیت موج جدید فشارها و پرونده‌سازی علیه فعالان صنفی خوزستان

صدور احکام قضایی و اعمال فشارهای فزاینده علیه فعالان صنفی معلمان در خوزستان، بار دیگر نشان داد که به جای شنیدن صدای منتقدان دلسوز و پاسخ‌گویی به مطالبات برحق فرهنگیان، مسیر برخوردهای امنیتی و قضایی در پیش گرفته شده است.

در تازه‌ترین نمونه این روند نگران‌کننده، خانم کوکب بداعی پگاه، عضو فعال کانون صنفی فرهنگیان خوزستان، در شعبه اول دادگاه انقلاب ایزده به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به یک سال حبس تعزیری محکوم شده است. این حکم در حالی صادر می‌شود که پیش از این نیز دکتر فروغ خسروی، معلم بهبهانی، با حکم اخراج از آموزش و پرورش مواجه شده و سیامک صادقی چهرآزی، معلم و فعال صنفی اهوازی، بیش از سه ماه است که در بازداشت به سر می‌برد.

کانون صنفی معلمان خوزستان بر این باور است که احکام سنگین و ناعادلانه علیه معلمان به دلیل نقد وضعیت موجود و پیگیری مطالبات صنفی، نه تنها کمکی به حل مشکلات آموزش و پرورش نمی‌کند، بلکه تعرضی آشکار به حق آزادی بیان، حق تشکل‌یابی و حق مطالبه‌گری مدنی است. کوکب بداعی پگاه، فروغ خسروی و سیامک صادقی چهرآزی از جمله معلمان شریف و متعهدی هستند که سال‌ها برای دفاع از حقوق معلمان، دانش‌آموزان، آموزش رایگان و باکیفیت و جامعه‌ای عاری از تبعیض تلاش کرده‌اند و همواره در چارچوب فعالیت‌های مسالمت‌آمیز و قانونی به پیگیری مطالبات صنفی پرداخته‌اند. تجربه نشان داده است که بستن مسیرهای قانونی اعتراض و برخورد با منتقدان، نه تنها به کاهش نارضایتی‌های اجتماعی منجر نمی‌شود، بلکه زمینه‌ساز گسترش شکاف‌های اجتماعی و بروز بحران‌های



عمیق‌تر خواهد شد. جامعه‌ای که صدای منتقدان دلسوز خود را نشنود، از امکان اصلاح و بهبود نیز محروم خواهد شد.

کانون صنفی معلمان خوزستان ضمن محکوم کردن صدور حکم حبس برای کوکب بداغی پگاه، اخراج دکتر فروغ خسروی و ادامه بازداشت سیامک صادقی چهارآزی، خواهان لغو فوری این احکام ناعادلانه، پایان دادن به پرونده‌سازی علیه فعالان صنفی و رعایت حقوق قانونی معلمان و تمامی کنشگران مدنی است. ما بار دیگر تأکید می‌کنیم که دفاع از حق آموزش، عدالت آموزشی و کرامت معلمان جرم نیست و هیچ حکمی نمی‌تواند صدای حق‌طلبی و مطالبه‌گری صنفی را خاموش کند.

کانون صنفی معلمان خوزستان
۱ تیرماه ۱۴۰۵



خانه نشینی زنان پس از جنگ؛
بیکاری، زنان را به قعر سلسله مراتب طبقاتی و جنسیتی می‌برد.

سیمین کاظمی / گفتگو با ایلنا

در تعدیل نیرو اغلب فرودست‌ترین بخش نیروی کار قربانی می‌شوند. کلیشه‌های جنسیتی و تصورات جنسیت زده که اشتغال زنان را نسبت به مردان کمتر ضروری جلوه می‌دهد موجب می‌شود در شرایط تعدیل نیرو در درجه اول زنان قربانی شوند چون کماکان در ذهنیت جمعی و عمومی زنان "نان آور خانواده" به حساب نمی‌آیند. این در حالی است که ۲۲.۵ درصد خانوارهای ایران زنان سرپرست هستند که ۸۷٪ فقیرترین و نیازمندترین خانوارها هستند.

♦ در بازار کار ایران زنان عموماً پایین‌ترین رده‌های شغلی را تصدی کرده و بیشتر در بخش اقتصاد غیررسمی شاغل هستند از این رو در بحران اقتصادی و اخراج و بیکاری مانند بحران فعلی بیشتر از همه صدمه می‌بینند و شغلشان را از دست می‌دهند.

بیکاری زنان را به قعر سلسله مراتب طبقاتی/جنسیتی می‌کشاند و موجب بی‌قدرت شدنشان در خانواده و جامعه می‌شود. در طبقه فرودست بیکاری زنان موجب فقیرتر شدن و بدتر شدن کیفیت زندگی آنها و



خانواده شان می شود. چنانکه در تامین نیازهای پایه ای شامل غذا، بهداشت و مسکن دچار درماندگی می شوند. بیکاری زنان فرودست را با سیاه ترین چهره فقر مواجه و آنها و خانواده و فرزندان شان را در معرض بی خانمانی، سو تغذیه، بیماری و توقف تحصیل و آسیب های اجتماعی قرار می دهد.

در مورد زنان طبقه متوسط بیکاری استقلال اقتصادی را از آنها سلب و آنها را متکی به مردان می کند و در نتیجه کنترل مردان را بر زندگی شان افزایش می دهد. با چنین وضعی زنان در مواجهه با خشونت خانگی کمتر قادر به مقابله و نجات خود هستند. توانمندی و شایستگی آنها زیر سوال می رود و مجبور به انزوا و خانه نشینی می شوند .

◆ باید توجه داشت که بیکار شدن زنان یک مصیبت عظاماست چون در بازار کار ایران زنان به زحمت می توانند شغلی به دست آورند و در صورت اخراج شدن بازگشت به کار برای آنها به مراتب سخت تر از مردان است. زنان برای اشتغال با مشکل مواجه اند چون به طور رسمی و واقعی از اشتغال زنان حمایت نمی شود و ثانیاً موانع فرهنگی و اجتماعی اشتغال زنان هنوز برقرار هستند.

◆ با هر بلای ارضی و سماوی نازل بر اقتصاد کشور بخشی از مشاغل زنان از دست می رود، آن هم در شرایطی که نرخ اشتغال زنان بسیار کم است و کلاً حدود ۱۱ درصد زنان شاغل هستند. با هر واقعه بحران زا از همین میزان اندک، تعداد زیادی از زنان شغل شان را از دست می دهند چنانکه از تحریم تا همه گیری کووید و جنگ ۱۲ روزه قربانیان اصلی بیکاری زنان بوده اند و در جنگ چهل روزه نیز همین داستان تکرار شده است. موضوع تاسف آور این است که اساساً بیکار شدن زنان مشکل مهمی به حساب نمی آید و با آن به عنوان یک اتفاق عادی برخورد می شود و از این رو تلاش جدی هم از سوی حاکمیت برای جبران آن صورت نمی گیرد. دلیل اش این است که به طور رسمی و همراستا با هذیان های نظام مردسالاری، اشتغال زنان امر ضروری تلقی نمی شود.

◆ زنان سرپرستی بیش از یک چهارم خانوارهای کشور را بر عهده دارند و با بیکار شدن شان، جمعیت عظیمی دچار فقر شدید و پیامدهای آن می شود. در جنگ چهل روزه بخش قابل توجهی از فرصت های شغلی از دست رفته، مشاغل زنان سرپرست خانوار بوده است. بیکاری فقیرتر شدن زنان و تشدید زنا نه شدن فقر را در پی دارد که خود فقر سرآغاز آسیب های اجتماعی است. بی خانمانی، زباله گردی، استثمار جنسی و تحت خشونت قرار گرفتن از تبعات بیکاری زنان است.

◆ بیکاری زنان و کنار گذاشته شدن آنها از بازار کار تبعات اجتماعی و اقتصادی دیگری دارد که کمتر به آن توجه می شود. جامعه ای که نیمی از پتانسیل و سرمایه انسانی اش را کنار می گذارد هرگز روی رفاه،

متحدانه برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو احکام زندان مبارزه کنیم.



تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی، در مقابل سازمان تأمین اجتماعی

نظاہرات خیابانی هفتگی بازنشستگان در روز یکشنبه ۲۴ خرداد در تعداد زیادی از شهرها برگزار شد. علاوه بر بازنشستگان تامین اجتماعی در بعضی از شهرها بازنشستگان مخابرات و فرهنگیان نیز در تجمعاتی که مقابل دفاتر سازمان تامین اجتماعی برگزار شد مشارکت داشتند. در تجمعات یکشنبه، بازنشستگان خواستار افزایش و پرداخت به موقع حقوق، بیمه رایگان و کارآمد، پرداخت کمک هزینه معیشتی، پرداخت بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی، همسان سازی و ... شده و نسبت به گرانی کالاهای اساسی و دارو نیز اعتراض کردند. تعداد شهرهایی که در این اعتراضات مشارکت داشتند نسبت به هفته قبلی سه برابر شده بود

متحد و متشکل علیه سیاستهای ریاضت کشانه حکومت مبارزه باید کرد!
از مبارزه کارگران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد و حقوق بازنشستگی حمایت کنیم!
مبارزه برای آزادی زندانیان مدنی و سیاسی و لغو قانون اعدام را تشدید کنیم!

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>